

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

صفحه: ۳۹-۵۸

برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو و کاربرد آن در بازآفرینی شهری پایدار (مورد پژوهی: بافت فرسوده شهری در گهان جزیره قسم)^۱

علی توبچی ثانی^{*}، محمد مسعود^۲، اسدالله ربانی^۳، گلناز صرامی فروشانی^۴

چکیده

جهان امروز، پیچیده و غیرقابل اعتماد است و انتظار می‌رود جهان فردا، بسیار پیچیده‌تر و غیرقابل اعتمادتر باشد. در چنین شرایطی، شناخت و درک ماهیت شهرها، مشکل‌تر از آن است که گمان می‌رود. گستره و ژرفای این چالش، هرروزه به واسطه وجود آمیزه‌ای شگفت از ابهام، پیچیدگی، ناپوستگی، عدم قطعیت و سونامی‌های تغییر که شهر و جهان کنونی را احاطه نموده است، فزونی می‌یابد. این تغییرات عموماً در بازه زمانی کوتاهی پدید آمده و گسستی سترگ، میان زمان لازم و زمان در دسترس برای سازگاری با این تغییرات، ایجاد می‌کنند. در این پژوهش، تلاش شده به کمک دانش آینده‌پژوهی و یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن یعنی برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو، به نحوی عمیق‌تر با عدم قطعیت‌ها و شرایط پیچیده و متغیر در بازآفرینی بافت فرسوده شهر در گهان که به نوعی مرکز تجارت منطقه‌ای جنوب کشور محسوب گردیده، مواجه شده و ضمن تدقیق عوامل کلیدی و نیروهای پیشران تغییرات، با گذار از انکشاف آینده قطعی به ترسیم آینده‌های بدیل، سناریوی مرجع را تعیین و از پی آن، چارچوب بازآفرینی و برنامه‌ریزی در بافت فرسوده این شهر تبیین شود. بر این مبنا، با توجه به سناریوی مطلوب حاصل از فرایند، رویکرد بهینه بازآفرینی فرهنگی - اقتصادی برای این بافت پیشنهاد شده که با پرهیز از سطحی‌نگری و بی‌توجهی به لایه‌های پنهان اجتماعی - اقتصادی، ضمن برخورد با ابعاد مختلف ناپایداری، چرخه افت و زوال را معکوس نموده و فرصتی جدید برای توسعه و تحقق چشم‌اندازی مشترک فراهم گردد. بدین جهت این پژوهش به لحاظ هدف و ماهیت، کاربردی و به لحاظ روش، مورد پژوهی مبتنی بر برنامه‌ریزی سناریومحور و تحلیلی متوازن اثر متقابل (CIB) با بهره‌گیری از نرم‌افزار سناریو ویزارد می‌باشد. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مطالعات اسنادی، برداشت‌های میدانی، مصاحبات اکتشافی و پنل متخصصان استفاده شده است.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری پایدار، آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو، تحلیل متوازن اثرهای متقابل، در گهان

۱- مقدمه و بیان مسئله

۱- بخش‌هایی از شناخت محدوده در این پژوهش، متکی به طرح «بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر در گهان» می‌باشد که در مهندسان مشاور شهر و خانه و با مدیریت پروژه نویسنده مسئول تهیه شده است.

۲- دانش‌آموخته دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول (ali.toobchi@gmail.com)

۳- استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۵- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

فرار (یا نوسانگر)، فاقد قطعیت، پیچیده و مبهم، تشکیل شده بود (گیلدی، ۱۳۹۶، ۱۸).

بدین جهت به موازات تحول در پایه‌های معرفتی نظریه‌های برنامه‌ریزی، تحولاتی در نگرش به شهر از پدیده‌ای خطی و ساده، به پدیده‌ای پویا و متحول، غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده و توجه به عدم قطعیت در برنامه‌ریزی، و خوانش شهر به‌عنوان دنیایی شبکه‌ای، پیچیده و غیرخطی صورت پذیرفته است (رفعیان و جهانزاد، ۱۳۹۴، ۲۵۶-۲۵۴). در این بستر، برنامه‌ریزی شهری فعالیتی برای مدیریت (تغییر و) دگرگونی خواهد بود تا تحمیل طرح‌های جامع (و جامد) (هاگو، ۱۳۷۸، ۱۰۲).

بدین وصف می‌توان عمده‌ترین مشکلات کنونی برنامه‌ریزی را در دو عامل جمع‌بندی نمود. اول عدم شناخت هوشمندانه آینده در مقاطع زمانی گذشته و دوم تحولات حیرت‌آور در عرصه فناوری همراه با روند شتابان جهانی شدن. عدم شناخت هوشمندانه آینده، متأثر از ابزارهای برنامه‌ریزی و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی است (Myer, 2000, 2). در بسیاری موارد عدم درک و انتخاب صحیح این ابزارها و نیز فرایند برنامه‌ریزی و تبعیت آن از مراحل کلیشه‌ای از سوی برنامه‌ریزان و به‌خصوص آینده‌اندیشان برنامه‌ها، باعث بروز مشکلات متعدد در جامعه هدف برنامه‌ریزی و عدم تحقق طرح‌ها و برنامه‌ها می‌شود. فضای پرتلاطم و سراسر تغییر عصر کنونی و تحولات حیرت‌آور منبعث از آن نیز، ابزارها و متدهای رایج و سنتی برنامه‌ریزی را به شدت ناکارا و ناتوان نموده است (توبچی ثانی و دیگران، ۱۳۹۸، ۶۶۷).

به دیگر سو، در این گذار تاریخی باید توجه داشت که حرفه برنامه‌ریزی (شهری و منطقه‌ای)، برخلاف بسیاری از رشته‌ها، حاصل یک تلاش علمی مستقل تاریخی نیست، بلکه بخشی از همبستگی دولت-ملت مدرن است که همراه با

امروزه ما، چه بخواهیم و چه نخواهیم در عصر برنامه‌ریزی زندگی می‌کنیم و این حاصل فرآیندی تاریخی و فرهنگی است و تحولات اقتصادی و اجتماعی متعددی آن را به وجود آورده است (اجلالی و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۷۷). بر این مبنا یک فرد نمی‌تواند در زمینه اثرات سیستم برنامه‌ریزی بدون توجه به شناخت زمینه‌های اقتصادی-سیاسی و نقش تعیین‌کننده بازار، دست به پژوهش زند (تایلور، ۱۳۹۴، ۱۴۶).

بررسی فرایند تاریخی تطور برنامه‌ریزی، بیانگر آن است که پس از دهه ۱۹۶۰، اولاً معلوم شد که ماهیت شهرها، بسیار پیچیده‌تر از آن است که گمان می‌رفت، ثانیاً میزان و نوع مداخله در ساختار و عملکرد شهرها، امری بسیار حساس است و احتمالاً با عوارض پیش‌بینی‌نشده همراه خواهد بود (اسدی، ۱۳۸۰). در حقیقت مخرج مشترک همه انتقادات اساسی نسبت به برنامه‌ریزی شهری پس از جنگ، آن بود که برنامه‌ریزان درباره ماهیت واقعی آنچه توصیف می‌کردند و برای آن طرح پیشنهاد می‌دادند، شناخت کافی نداشتند (تایلور، ۱۳۹۴، ۸۲). این فقدان شناخت مناسب، که وسعت و عمق آن هرروزه به نحوی فزونی می‌یابد، به‌واسطه وجود آمیزه‌ای شگفت از پیچیدگی، عدم قطعیت و سونامی‌های تغییر است که شهر و جهان کنونی را احاطه نموده است.

آنچه شرایط امروزی را بغرنج‌تر می‌نماید آن است که این تغییرات و پیچیدگی در بازه زمانی کوتاهی ایجاد گردیده و تفاوتی آشکار و شکافی فراخ، میان زمان لازم و زمان در دسترس برای سازگاری با این تغییرات را پدید می‌آورند (سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO)، ۱۳۹۲، ۳۲). در چنین شرایطی از جهان به محیط رپلکس^۱ تعبیر می‌گردد (ملکی فر و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۶). به تعبیری دیگر جهان امروز، پیچیده و غیرقابل اعتماد است و انتظار می‌رود فردا از این هم پیچیده‌تر و غیرقابل اعتمادتر باشد. دایره دفاعی ایالات متحده، در دهه ۱۹۹۰ (برای توصیف وضعیت جدید) عبارت^۲ VUCA را مطرح کرد که از چهار کلمه

2 VUCA=Volatile + Uncertain + Complex + Ambiguous

۱- RAPLEX: رپلکس اصطلاحی است که از آمیزه دو واژه Rapid (به معنای سریع و پویا) و Complexity (به معنای پیچیدگی) به دست می‌آید.

از مهم ترین ابزارهای آن یعنی برنامه ریزی بر پایه ی سناریو، به نحوی با عدم قطعیت ها و شرایط پیچیده و متغیر در باز آفرینی بافت های فرسوده، مواجه شده و ضمن تشخیص عوامل کلیدی و پیش ران های تغییرات، با گذار از آینده قطعی به ترسیم آینده های بدیل، سناریوی مرجح را تعیین نموده و از پی آن، چارچوب باز آفرینی و سیاست گذاری و رویکرد بهینه مواجهه با بافت فرسوده در گهان تبیین گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

این پژوهش، مبتنی بر دو بنیان اصلی برنامه ریزی شهری (به طور اخص حوزه مطالعات بافت فرسوده) و آینده پژوهی (به طور ویژه برنامه ریزی سناریو) است. بدیهی است اسناد و متون مختلف فراوانی در این حوزه های عام و خاص وجود دارد. با این وجود در حوزه بینامتنی و بین الاذهانی، اگرچه گرایش ها جدی متأخری پدید آمده، اما هنوز چه در منابع فارسی و چه در منابع انگلیسی، از حجم و غنای کافی برخوردار نیست. برخی از محدود پژوهش های صورت پذیرفته نیز تا حدود زیادی به حوزه نظری پهلوی می زنند. از این رو، شاید مهم ترین وجه تمایز پژوهش حاضر را بایستی در مساعی تعیین نظریات آینده پژوهانه در قالب سیاست های شهرسازی و در مسیر یک پروژه عینی دانست که نتایج آن دستور کار برنامه ریزی و طراحی بافت را جهت می بخشند. پرواضح است که غنای هر چه بیشتر مطالعات در این حوزه، به توسعه متدهای آینده پرداز در برنامه ریزی شهری و منطقه ای و تحقق و توفیق بیشتر طرح های توسعه شهری منتج می شود.

از سوی دیگر، به رغم نقش مهم شهر در گهان در اقتصاد و تجارت منطقه ای و ملی و مشکلات حاصل از توسعه های جدید و نیز مصائب موجود در بافت فرسوده این شهر، پژوهشی در این ارتباط صورت پذیرفته است.

۲-۱- آینده پژوهی

محرك های سرمایه داری برای کنترل و تنظیم فضا، پدید آمده است. تفاوت ها و تعارضاتی که در حوزه برنامه ریزی وجود دارد و در واقع ویژگی ذاتی آن است، حاکی از تنش^۲ و گاه هم پوشانی^۳ میان برنامه ریزی و سایر رشته ها است؛ و از آنجا که نظریه برنامه ریزی ماهیتی میان رشته ای دارد، متمایل به وام گرفتن ایده ها و اصول سایر رشته ها و حرفه هاست (رفعیان و جهانزاد، ۱۳۹۴، ۴۴-۴۳). به عبارتی نظریه برنامه ریزی، بیش از هر چیز از یک ماهیت متحول ترکیبی انگاشت هایی از انتظام های فکری گوناگون توسعه یافته است (عبدی دانشپور، ۱۳۹۰، ۱۷).

یکی از انتظام های فکری که در سالیان اخیر و به منظور مواجهه با تغییر و پیچیدگی، عدم قطعیت و ابهام و در پاسخ به ناکامی های متعدد برنامه ریزی در حوزه پیش بینی، در حیطه شهرسازی به کار گرفته شده، دانش آینده پژوهی است.

در همین راستا، بخش مهمی از عدم توفیق های شهرسازی را در طی این سال ها، به دلیل پیچیدگی و ابهامات زیاد، بایستی در حوزه بافت های فرسوده جستجو نمود. بافت های فرسوده به دلیل «افت شهری» و «تمرکز فضایی مشکلات»، دچار مسائل پیچیده اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی و ذهنی هستند (توبچی ثانی و محمدی، ۱۳۸۹). عمده این مشکلات را در بافت فرسوده در گهان می توان به سهولت مشاهده نمود. با این حال پیچیدگی و ابهام موضوع از آن حیث است که در تناقضی آشکار، بالاترین گردش مالی، قیمت زمین و سابقه سکونت نیز در این شهر و منطقه پیرامونی، مربوط به همین بافت است. شگرف تر آن که علت بسیاری از ابعاد فرسودگی را می توان در تصمیمات و طرح های توسعه شهری پیشین، نظیر استحصال ساحل و به تبع، ایجاد مشکلات گسترده محیط زیستی و همچنین تغییر موازنه اقتصادی به سود کارکردهای تجاری بزرگ مقیاس در این اراضی، جستجو نمود. بر چنین بستری، مواجهه صحیح با بافت فرسوده در گهان، با تقلیل گرایی و ساده انگاری، میسر نمی شود. در این پژوهش، تلاش گردیده به کمک دانش آینده پژوهی و یکی

هر کدام در جایی و به منظوری خاص کاربرد دارند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۱، ۱۲۰). اما آنچه جان‌مایه یا روح آینده‌نگاری و یکی از فن‌های پایه‌ای آن نامیده می‌شود، تفکر و برنامه‌ریزی سناریویی است. تفکری که لازمه جهان امروز با دو ویژگی "تغییرات شتابان"، و "پیچیدگی فزاینده" است (ملکی فر و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۲-۱۳).

درواقع آینده‌پژوهی عدم قطعیت و ابهام را رها نمی‌کند بلکه از طریق سازمان‌دهی و اتصال آن با خلق سناریوهای چندگانه و متضاد، به آن می‌پردازد (Wangel, 2012, 34). از این رو در میان ابزارهای آینده‌نگاری، برنامه‌ریزی و طراحی سناریو رویکردی جذاب و مؤثر برای تنظیم چشم‌اندازها و راهبردهای شهری است. ممکن است سناریوسازی به‌عنوان ابزاری برای سازمان‌دهی دریافت‌ها از آینده تعریف گردد و بنابراین به تنظیم چشم‌اندازی در جهان بی‌ثباتی‌ها کمک می‌نماید (Miguel & Güell, 2010).

بیشتر سناریوها تلاش می‌کنند که گرایش‌های ذهنی که به آن‌ها خو گرفته شده است را وارد چالش کنند (Puglisi, 2001, 454). کتاب «به سوی جنگ گرم‌هاسته‌ای»، نوشته هرمان کان، نمونه‌ای عالی (هرچند هولناک) در این زمینه است. کان در یک عبارت کوتاه از خوانندگان خود می‌خواهد با در نظر گرفتن پیامدهای جنگ‌های جهانی سوم تا هشتم، به رویدادهایی باورنکردنی بیندیشند، و آن‌ها را وادار می‌سازد تا از یک سو به جزئیات تأسف بار مرگ‌های میلیونی و از طرف دیگر به زندگی ترسناک بعد از این جنگ بیندیشند. همچنین وی خوانندگان را مجبور می‌کند تا جایگزین‌های محدود، تصادفی و شاید غیرممکن این آینده را به ذهن بیاورند. او می‌نویسد که چنین جنگی در آینده، محتمل و امکان‌پذیر است و با فکر نکردن به آن، احتمال وقوع آن از بین نمی‌رود. او چنین استدلال می‌کند که درواقع با فکر نکردن به این جنگ، شاید احتمال وقوع آن افزایش یابد (اسلاتر و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۵-۲۲).

آینده‌پژوهی به‌عنوان یک زمینه میان‌رشته‌ای، تعریف می‌شود که تصاویر آینده را برای پدیده یا مسئله‌ای برگزیده، به گونه‌ای توسعه می‌دهد که عدم قطعیت، ابهام و انتخاب را نشان داده و پیامدهای بالقوه بلندمدت مربوط به تصمیمات اکنون را روشن سازد (Wangel, 2012, 35). از این رو آینده‌پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به شیوه‌ای آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه است. این علم انسان را از غافل‌گیری در برابر توفان سهمگین تغییرات و پیشرفت‌های سرسام‌آور محافظت می‌کند. این دانش به انسان می‌آموزد که چگونه آینده‌ای مطلوب را برای خود، سازمان و یا جامعه ترسیم کند (خزایی، ۱۳۸۸، ۴). به تعبیری دیگر آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد (Foren, 2001, 52).

هدف از آینده‌پژوهی، درک بهتر از فرصت‌های آینده است. مطالعات آینده، فراتر از پیش‌بینی آینده می‌روند. احتمالات انتخابی و تفاوت‌های آن‌ها را توصیف می‌کنند که می‌توانند هم برای چالش سیستم‌های کنونی و هم انطباق با محتمل‌ترین آینده یا تأثیر بر آینده مورد استفاده قرار گیرند. هدف آینده‌پژوهی اغلب در خصوص ایجاد انتخاب‌های آینده از طریق ارائه گزینه‌های ممکن است که اساسی را برای برنامه‌ریزی شکل خواهد داد (Phdungslip, 2011, 708).

۲-۲- برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو^۱

ما ابزارهایمان را شکل می‌دهیم و سپس ابزارهایمان، ما را شکل می‌دهند. درک این عبارت توسط فوتوریست^۲ و فیلسوف کانادایی رسانه، مارشال مک لوهان، نقطه آغازی را برای نظریه کارآمد تغییر اجتماعی فراهم آورد (Dator, 2002, 2). با این تأکید بر اهمیت ابزارها، در میان آنچه به‌زعم آینده‌پژوهان «جعبه‌ابزار آینده‌پژوهی» نامیده می‌شود، فهرست بلند و متنوعی از روش‌ها به چشم می‌خورد که

و بسط سناریو محصول اصلی آینده‌پژوهی است زیرا بسیار خلاقانه است و بی‌ثباتی‌ها را در انتظام خود قرار می‌دهد (Miguel & Güell, 2010, 21)

سناریوها را تقریباً با همه فن‌های آینده‌پژوهی (از کمی‌ترین تا کیفی‌ترین) آن‌ها می‌توان ترکیب نمود. سناریوها به افراد امکان تجسم و انکشاف آینده‌های ممکن را می‌دهند (اسلاتر و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۵). ارزش عظیم و بالای سناریو، انتخاب عناصر پیچیده و درهم تنیدن آن‌ها به صورت یک داستان است که به شیوه‌ای منسجم، نظام‌مند، جامع و قابل تعمق ارائه می‌شود (منزوی و دیگران، ۱۳۸۸، ۶).

هدف از تدوین سناریوها، خلق فضای بررسی احتمال آینده‌های ممکن، به گونه‌ای است که بتوان پابرجایی سیاست‌ها را در برابر طیفی از چالش‌های آینده آزمود (جکسون، ۱۳۸۷، ۴۷). سناریوها حال را به وجود می‌آورند، دامنه‌ای از عدم قطعیت‌ها را بررسی می‌نمایند، انتخاب‌هایی را پیشنهاد و حتی پیش‌بینی می‌کنند (Inayatullah, 2008, 14). به بیانی دیگر، هدف سناریوها این است که کمک نمایند دیدگاه گسترده‌تری از واقعیت داشته باشیم، دورنمایی به دست آوریم که به ما این امکان را می‌دهد که نه تنها درک کنیم که الان چه هست، بلکه در آینده نیز چه خواهد بود. این هدف همچون تغییر اذهان برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران چندان آسان نیست (Puglisi, 2001, 454).

۲-۳- فرایند سناریو پردازی

در نگاه آینده‌پژوهان، سناریوها، ابزارهای منعطفی هستند که ایده‌ها، افکار، تعابیر و احساسات مختلفی را در تصاویر کل-نگر و بافتار مفهومی برای آینده‌های بدیل و ممکن مهیا می‌کنند (شوارتز، ۱۳۸۸). از این رو در سناریونویسی برای آینده، ترکیبی از آینده‌های ممکن، باورکردنی، محتمل و درنهایت آینده مطلوب ترسیم می‌شود و جهت رسیدن به این آینده

با این مقدمه می‌توان گفت سناریو عبارت است از داستان یا شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین (مثلاً اگر روندهای جاری ادامه یابد یا کارهای خاص دیگری انجام شود) می‌تواند اتفاق بیفتد (اسلاتر و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۲). سناریوها به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند که چگونه ممکن است یک موقعیت فرضی رخ دهد و چه جایگزین‌هایی برای ممانعت، منحرف کردن و یا تسهیل چنین روندی وجود دارد (Milestad et al., 2014, 60). تعریفی جامع از شومیکر^۱ بیانگر آن است که سناریوها به عنوان شخصیتی متن‌گونه از آینده محتمل با جزئیات قابل توجه، با تأکید ویژه بر روابط علی، ثابت داخلی و عینیت تعریف می‌گردند (Puglisi, 2001, 453).

همچنین سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به بینش‌ها و استنباط‌های رهبران و مدیران هستند. مقصود از تعریف سناریوها انتخاب فقط یک آینده مرجح و آرزوی به حقیقت پیوستن آن و یا پیدا کردن محتمل‌ترین آینده و سعی در تطبیق با آن نیست، بلکه قصد اصلی برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، اتخاذ تصمیم‌هایی استراتژیک است که برای همه آینده‌های ممکن به اندازه کافی خردمندانه و پابرجا باشند. این گونه برنامه‌ریزی روشی منظم و منضبط است که از آن برای کشف نیروهای پیشران کلیدی در متن تغییرات شتابان، پیچیدگی‌های فوق‌العاده و عدم قطعیت‌های متعدد استفاده می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۶). سناریوها، شرایط ناشی از پیشرفت یک‌روند، تحقق یک استراتژی یا وقوع یک رویداد بزرگ یا شگفتی‌ساز را در قالب یک داستان یا طرح کلی تبیین می‌نمایند. آن‌ها در واقع گمانه‌هایی درباره فضای احتمالی آینده هستند (کورنیش، ۱۳۸۸). این روش آینده‌نگاری به شدت با کیفیت است، بررسی‌های مشهود و مستدل را به یکدیگر پیوند می‌دهد و معمولاً نیازمند همکاری گروهی از کارشناسان است. برای بسیاری از فعالان آینده‌نگاری، توسعه

امروز با آن مواجهیم، ارتقا می‌یابد. این رویکرد خاص از دو رشته تحقیق در مؤسسه RAND در اوایل دهه ۹۰ آغاز شده است (لمپرت و دیگران، ۱۳۸۸).

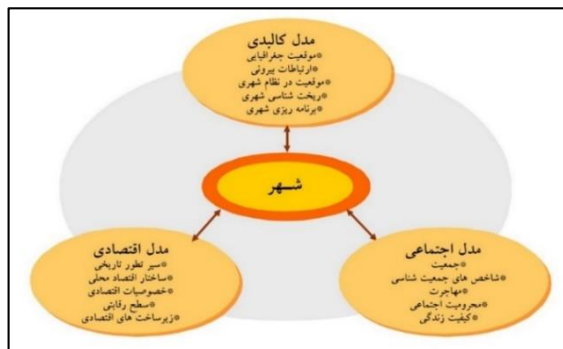
1 Shoemaker

۲- برنامه‌ریزی پابرجا (Robust Planning) رویکردی نو برای ملاحظه‌ی نظام‌مند چندگانگی و تنوع آینده‌های دور ممکن است، که از طریق آن توانایی تصمیم‌گیری درست در شرایط عدم قطعیت عمیقی که

سناریوها ۷- مضامین ۸- انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما (شوارتز، ۱۳۸۸، ۲۱۶-۲۱۱ و منزوی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۸).

فرایند عمومی مورد استفاده در این پژوهش، به صورت عمده بر مبنای فرایند پیشنهادی شوارتز و در قالبی متناسب با سناریو پردازی برای شهرها است. مزیت اصلی این مدل، انطباق مناسب آن با پروژه‌های عینی شهرسازی است. در این مدل، طراحی سناریو برای یک شهر را می‌توان در چهار گام متوالی تنظیم نمود: ۱) تبیین شخصیت عملکردی شهر؛ ۲) شناسایی و ارزیابی عوامل تغییر؛ ۳) ساخت و توسعه سناریو؛ و ۴) تعریف مفاهیم سناریو برای شهر.

در گام اول (تبیین شخصیت عملکردی شهر)، اولین وظیفه، به دست آوردن درک گسترده‌ای از مدل‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی است که توسعه شهری موجود را موجب گردیده‌اند (Miguel & Güell, 2010, 11).



شکل ۱. شخصیت عملکردی شهر (مأخذ: Miguel & Güell, 2010, 12)

در مرحله شناسایی و ارزیابی عوامل تغییر، عواملی که می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر توسعه آینده شهری داشته باشند، شناسایی می‌شوند. این بررسی‌ها باید در چارچوبی کارشناسی و در حوزه‌های مشخص موضوعی، صورت پذیرفته و تمایلات اصلی تغییر را مورد ارزیابی قرار دهند.

هدف اصلی این کار، بررسی بیشترین میزان احتمال گرایش‌های مرتبط جغرافیایی، سیاسی، آماری، فرهنگی،

مطلوب سناریوهای مختلف تدوین می‌گردد که سبب سناریوهای متناقض، متناسب، متفاوت و متشابه را تشکیل می‌دهد (Voros, 2003).

درواقع هر سناریو از سه بخش عمده تشکیل شده است؛ عناصر نسبتاً مشخص، نیروهای پیشران تغییرات و عدم قطعیت‌های حساس. عناصر نسبتاً مشخص، به پدیده‌هایی با نرخ تغییرات کند گفته می‌شود که مثال بارز آن آمار جمعیت و رشد آینده یک گروه سنی خاص است. برای نیروهای پیشران تغییرات، می‌توان به کلان‌روندها یا ترکیبی از روندهای خرد اشاره کرد که گسترش فناوری اطلاعات یا تجارت الکترونیک نمونه‌هایی از آنهاست. اما عدم قطعیت-های حساس، در محل تلاقی بیم‌ها و امیدهای یک فرد یا سازمان است که نسبت به وقوع تغییرات در این زمینه آسیب-پذیرتر هستند (شوارتز، ۱۳۸۸).

همچنین بر اساس مدل شبکه تجاری جهانی توسعه یافته توسط پیتر شوارتز^۱ ساختار سناریو از چهار متغیر تشکیل شده است: بهترین مورد^۲ (جایی که سازمان تمایل دارد روبه‌جلو حرکت نماید)، بدترین مورد^۳ (که همه چیز بد پیش می‌رود)؛ برون‌زدگی^۴ (آینده‌ای شگفت‌آور بر مبنای موضوع از هم گسیخته در حال ظهور قرار می‌گیرد) و تجارت همیشگی و معمول (بدون تغییر) (Inayatullah, 2008, 17).

بر این مبنای، برای سناریو پردازی، فرایندهای مختلفی پیشنهاد شده است که هر یک کارکردهای خود را دارند. یکی از مهم‌ترین آنها، که به‌طور ضمنی مورد استفاده این پژوهش قرار گرفته، فرایند هشت مرحله‌ای پیشنهادی شوارتز است. این مراحل عبارت‌اند از: ۱- شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی ۲- شناسایی عوامل و عناصر کلیدی^۵ در محیط منطقه‌ای ۳- شناسایی نیروهای کلیدی محیطی و پیشران تغییرات^۴- تحلیل و طبقه‌بندی نیروهای کلیدی محیطی بر اساس دو عامل «اهمیت» و «عدم قطعیت» ۵- منطق دهی به سناریوها ۶- پربار کردن

۵ Key Factors

۶ Driving Force

1 Peter Schwartz

2 Best case scenario

3 Worst case scenario

4 outlier

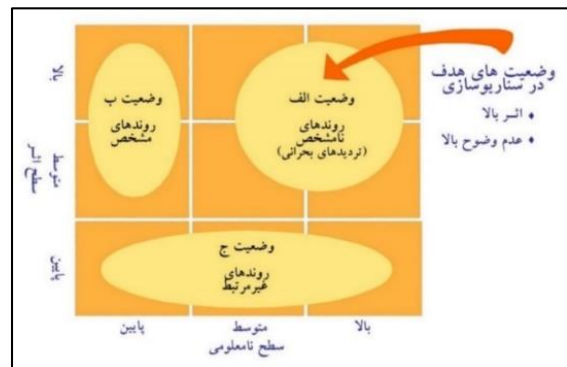
قطعیت‌های بحرانی و مدل کلی طراحی چهار مرحله‌ای سناریو برای شهر بهره‌گرفته شده است.

رویکرد منطق شهودی جزء فن‌های کیفی برنامه‌ریزی سناریو محسوب می‌شود (Amer et al., 2013). نخستین بار استفاده از این روش توسط پیتر شوارتز در سال ۱۹۹۱، تبیین گردید (Bryant & Lempert, 2010) در این روش، شهود برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران، مبدأ سناریو پردازی است و بر استفاده از دانش ضمنی و رویکرد مشارکتی (Wilson, 1998)، طوفان ذهنی و آنالیز کنشگران، تأکید می‌شود.

در تعیین عوامل کلیدی و شناسایی پیش‌ران‌های تغییر، ضمن مطالعات اسنادی و میدانی از مصاحبه‌های اکتشافی استفاده شده است. سپس این عوامل، با نظر کارشناسان بر اساس دو معیار اهمیت و عدم قطعیت رتبه‌بندی گردیده‌اند. پس از استخراج عدم قطعیت‌های کلیدی منتخب، از روش محاسباتی تحلیل متوازن اثر متقابل^۱ و نرم‌افزار سناریو ویزارد^۲ استفاده شده است. این متد، روشی است برای تحلیل شبکه‌های تأثیر. درواقع الگوریتم CIB، شکل خاصی از تحلیل تأثیر متقابل است. این روش، تعدادی فرایند ساختاریافته را برای استخراج آینده‌های باورکردنی، به شکل سناریوهای اولیه و بر اساس قضاوت متخصصین در مورد تعاملات سیستمی، فراهم می‌آورد. CIB شامل ترکیبی کاملاً آزمون شده از استدلال‌های کارشناسی و الگوریتم تحلیل است (سعیدپور و بهبودی، ۱۳۹۶، ۵۶). بنیان این روش را باید در روش تحلیل تأثیر بر گذر^۳ (مقاطع)، جستجو نمود که در آن تأثیر هر روند بر روندهای دیگر درجه‌بندی می‌شود.

در حقیقت محدودیت اصلی روش‌های پیش‌بینی در تلاش برای رسیدن به یک پیش‌بینی واحد است. بنابراین گرایش‌ها و رویدادها بدون هیچ بررسی از تأثیر محتمل دوجانبه طرح‌ریزی می‌شوند. بیشتر رویدادها در «دنیای واقعی» در تعامل با یکدیگر هستند و به یکدیگر متصل‌اند. در بررسی این موضوع در سال ۱۹۹۶ هاملر و گوردون^۴ روش

اقتصادی، فنی و نظارتی است که ممکن است بر شهر تأثیرگذارند. زمانی که گرایش‌ها شناسایی می‌شوند، باید با ماتریس تأثیر-عدم قطعیت ارزیابی گردند. در این ماتریس، سه وضعیت اصلی روندهای نامشخص (بی‌ثباتی‌های شدید با سطوح تأثیر بالا - متوسط)، روندهای مشخص (با سطوح تأثیر بالا - متوسط و سطح بی‌ثباتی پایین) و روندهای غیر مرتبط و با تأثیر اندک به‌وضوح قابل شناسایی است (Miguel & Güell, 2010, 13).



شکل ۲. وضعیت‌های هدف در سناریوسازی (مأخذ: Miguel & Güell, 2010, 12)

۳- روش تحقیق

در این پژوهش، ضمن بررسی و دقت در مفاهیم آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی سناریو و چگونگی کاربرد آن‌ها در برنامه‌ریزی شهری، به تبیین وجوه کلیدی افت و زوال در بافت فرسوده شهر در گهان و سناریوهایی مختلف پیش رو و رویکرد بهینه مداخله در آن پرداخته شده است. بدین جهت این تحقیق به لحاظ هدف و ماهیت کاربردی و به لحاظ روش، مورد پژوهی با بهره‌گیری از مدل‌های کیفی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش یافته‌اندوزی، مطالعات اسنادی، میدانی و نیز مصاحبه‌های اکتشافی و برگزاری پنل متخصصین و کارشناسان استفاده شده است.

۱-۳- روش‌ها و ابزارها

آن‌گونه که آمد برای برنامه‌ریزی و ساخت سناریو، روش‌های مختلفی وجود دارد. در این تحقیق از منطق شهودی، عدم

۳-۲- محدوده مورد مطالعه

۳-۲-۱- ساختار کالبدی - عملکردی بافت فرسوده در گهان

محدوده مورد مطالعه در شمال شهر بندری در گهان در جزیره قشم واقع گردیده و به نحوی هسته‌ی اولیه شکل‌گیری این شهر است. این محدوده، دارای مساحتی در حدود ۲۵ هکتار بوده و به دلیل دربرگرفتن بازار قدیم و هم‌جواری با پهنه‌های تجاری بزرگ‌مقیاس، نقشی ویژه در ساختار فضایی این شهر و جزیره قشم ایفا می‌نماید. حد شمالی این محدوده، با مجتمع‌های تجاری و دریا و مرز جنوبی آن با ترانشه (ارتفاعات کلات و دلبری) تعریف می‌گردد (مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۸).

سه گونه پهنه عمده در این محدوده قابل‌شناسایی است. پهنه نخست، بازار و فعالیت‌های تجاری فرا شهری را شامل می‌شود. پهنه دوم، نقش پشتیبان بازار را ایفا کرده و با تغییر کاربری مساکن به انبار، هویتی متفاوت را برای بافت پدید آورده است. سومین پهنه نیز به فعالیت‌های سکونتی و کاربری‌های پشتیبان آن اختصاص یافته است

بالین حال، مهم‌ترین عنصر ساختار عملکردی شهر در گهان، پهنه تجاری و محدوده بازار قدیم این شهر است که درون محدوده بافت فرسوده و یا در مجاورت بی‌واسطه آن قرار گرفته است. این پهنه آن اندازه، استیلا یافته که توانسته بافت مسکونی را متناسب با نیازها و مقتضیات خود تغییر شکل و عملکرد دهد. به عبارتی، نقش محدوده مذکور در شهر، ترکیبی نامتجانس از مرکز شهر و محله مسکونی است. از این رو فعالیت‌های کلان مستقر، با ماهیت مسکونی محله تناسب و سازگاری لازم را ندارد. جز آن، در محدوده بافت فرسوده در گهان، علاوه بر مسجد جامع و مسجد امام شافعی به‌عنوان مساجد اهل سنت، مسجد و حسینیه شیعیان نیز در مجاورت بلوار ساحلی قرار دارد که جزء عناصر شاخص عملکردی محسوب می‌شوند.

ماتریس تأثیر متقاطع را برای استفاده در شرکت کیسر توسعه دادند که هدف آن‌ها مطالعه تأثیرات رویدادهای بالقوه متقابل بر احتمال وقوع آن‌ها بود (Puglisi, 2001, 446). اطلاعاتی که این روش تأمین می‌کند، تصویری است از این که چه چیز وابسته و چه چیز مستقل است، چه چیز پیشران و چه چیز توسط امور دیگر پیش‌برده می‌شود. این روش، در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است. برای یک متغیر، ویژگی مهم بودن، داشتن ارتباط قوی با سیستم است که با تعداد و شدت این ارتباطات سنجیده می‌شود. متغیرهایی که چنین ویژگی دارند، متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند و هرگونه تغییر در آن‌ها، کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (طاهری، ۱۳۹۳).

برای تشخیص سناریوهای ناسازگار از سازگار و کاهش تعداد سناریوها، ماتریس اثرهای متقابل، تشکیل و نتایج آن، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. به همین منظور، پس از تشکیل ماتریس، بر اساس ترکیب عدم قطعیت‌های کلیدی، پنبلی با حضور اعضای کارگروه‌های تخصصی، ایجاد و با بررسی اثر متقابل بین حالت‌ها، ماتریس مربوطه در قالب اعداد بازه ۳- تا ۳+ تکمیل گردید. ماتریس کامل شده با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد تحلیل و تابلوی سناریوها پدید می‌آید.

این نرم‌افزار، با تهیه سناریوهای متعدد و سپس با محدود کردن آن‌ها، محتمل‌ترین سناریوها را شناسایی می‌کند. اساس کار سناریو ویزارد بر مبنای ماتریس‌های حاصل از مرحله پیش و روش CIB است و هدف آن، بهینه‌سازی سناریوها و قابل‌اطمینان کردن سناریوهای منتخب است (ایزدفر و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۴). براین مبنای تابلوی سناریو که نشانگر وضعیت سناریوها، از نظر مطلوب، ایستا یا بحرانی بودن است، تحلیل و مبتنی بر سناریوهای مرجح، رویکرد مداخله بهینه تبیین و نهایتاً چارچوب مداخلات برنامه‌ریزی و طراحی تدوین گردیده است.

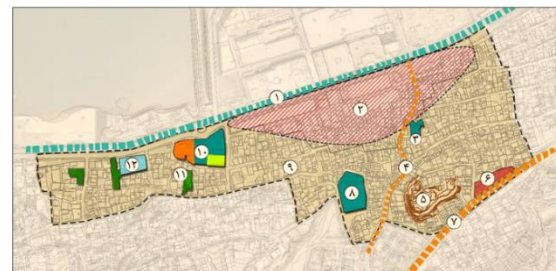
۳-۲-۲- ساختار اجتماعی - اقتصادی بافت فرسوده درگهان

مطابق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر درگهان و هلمر، ۲۰۳۵۳ نفر و در قالب ۵۳۷۶ خانوار است (سازمان آمار ایران، ۱۳۹۵). این در حالی است که این شهر و جزیره قشم در طول سال، پذیرای جمعیت چند صد هزار نفری از گردشگرانی است که عمدتاً با مقاصد گردشگری تجاری به درگهان سفر می‌کنند. از سوی دیگر، در حالی که حدود ۱۵ درصد جمعیت شهر درگهان (بدون هلمر) در محدوده بافت فرسوده قرار گرفته است، تنها هفت درصد مهاجران وارد شده به شهر، در محدوده مذکور سکنی گزیده‌اند. این امر بدان معنی است که هر چند در محدوده بافت فرسوده درگهان، تمرکز فعالیت‌های تجاری فرا شهری گسترده، انگیزه جدی مهاجرت نیروی کار گشته، اما به دلیل قیمت بالای اراضی در آن، محلات پیرامون، از جذابیت بیشتری برای سکونت این افراد برخوردار بوده‌اند.

درواقع، به‌رغم فرسودگی کالبدی، این محدوده، بالاترین قیمت زمین و مسکن را نسبت به کل شهر دارا است و اغلب ساکنین، مالکین با سابقه سکونت بالا هستند. در دسترس بودن فرصت‌های مناسب اقتصادی این محدوده و پتانسیل بالای آن برای بخش‌های بازرگانی و خدمات پشتیبان، پس از ایجاد منطقه آزاد، یکی از دلایل ماندگاری ساکنین در این محدوده است. اما از تأثیرات جانبی این موضوع نایستی به‌سادگی گذشت. چرا که ساختار اقتصادی شهر درگهان، تا پیش از دهه ۷۰، مبتنی بر ماهیگیری و تجارت غیررسمی بوده است. با ایجاد منطقه آزاد و رونق تجارت در این دهه و پس از آن، فعالیت‌های بازرگانی، از رشد چشمگیری برخوردار می‌گردد؛ به‌طوری که مال‌های وسیع و بزرگ مقیاس با گردش مالی بسیار بالا، عرصه را بر بومیان و فعالیت‌های تجاری خرد مقیاس تنگ می‌نماید. ناتوانی رقابت بومیان با سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی، از یک‌سو و نیاز گسترده مجتمع‌های تجاری جدید به دپوی کالا، اهالی درگهان را وادار به استفاده از تنها دارایی‌شان (یعنی زمین و ملک شخصی) برای اجاره دادن بخشی از آن، به‌عنوان انبار، ساخته که این خود بستری

همچنین عمده معابر در محدوده بافت فرسوده درگهان، ارگانیک و با پیشینه روستایی بوده و از کیفیت و عرض نامناسب و سطح سرویس پایین رنج می‌برند. در این میان معابر عمود بر دریا (شمالی - جنوبی) نقش مهمی را در استخوان‌بندی و ساختار کالبدی شهر، ایفا می‌نمایند. محور امام شافعی که به‌نوعی ستون فقرات بافت فرسوده است، مسجد جامع را به ساحل متصل کرده و در این فاصله، دسترسی‌های متعددی را به طرفین تأمین می‌کند. این خیابان، تنها خیابان ساختاری در درون بافت فرسوده درگهان است که پنج دسترسی اصلی بازار سنتی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن منتهی می‌گردد که این امر بر اهمیت و نقش محور مذکور می‌افزاید. از منظر زبان طراحی نیز، از تلاقی عناصر ساختاری، رویدادی خلق می‌گردد که می‌بایست نمود کالبدی و عملکردی روشن از خود به‌جای گذارد که در این مورد چنین اتفاقی صورت پذیرفته است.

عمده محدوده دارای بافت ارگانیک، بلوک‌های غیر هندسی و نامنظم، با طول کوتاه و نفوذپذیری «نسبتاً» مناسب است. همچنین بیش از ۶۰ درصد از بافت فرسوده درگهان را فضاهای پر به خود اختصاص داده‌اند. این بافت، به‌ویژه در محدوده بازار بسیار متراکم و بدون فضای باز بوده و غلبه توده حتی در قطعات نیز مشاهده می‌شود (مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۸).



۱. بلوار دریاورد، محور محور مجهر شهری؛	۵. ترانسه، نشانه بصری و اکولوژیک؛	۹. پهنه سکونت، شامل بافت قدیم و هسته
۲. پهنه تجاری مرکز شهر شامل بازار قدیم	۶. تراکم خدمات محلی در مجاورت بلوار	اولیه شهر؛
درگهان و خدمات جدید؛	خلیج فارس؛	۱۰. خدمات شهری شامل مجموعه فرهنگی،
۳. مسجد امام شافعی، نشانه عملکردی و	۷. بلوار خلیج فارس، ابتداء یکی از ورودی	کلاتری و ورزشی؛
بصری در مقیاس محلی؛	های اصلی شهر؛	۱۱. باغ‌های موجود در محدوده؛
۴. خیابان امام شافعی، محور اصلی شهری؛	۸. مسجد جامع درگهان، نشانه بصری و	۱۲. مدرسه ابتدایی، نشانه عملکردی و گره
	عملکردی در مقیاس شهر؛	اجتماعی محلی.

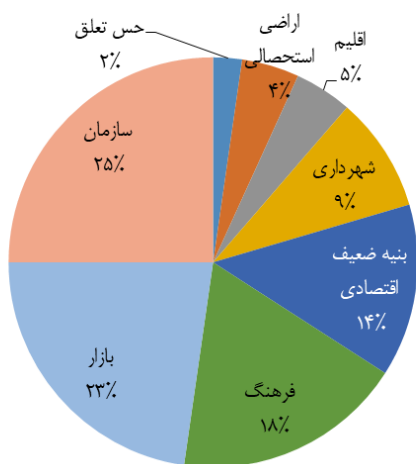
شکل ۳. عناصر مؤثر ساختاری بافت فرسوده درگهان (مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۸)

شکل ۵. وضعیت اثرگذاری نیروهای هدایت‌کننده تغییر بر بافت فرسوده در گهان



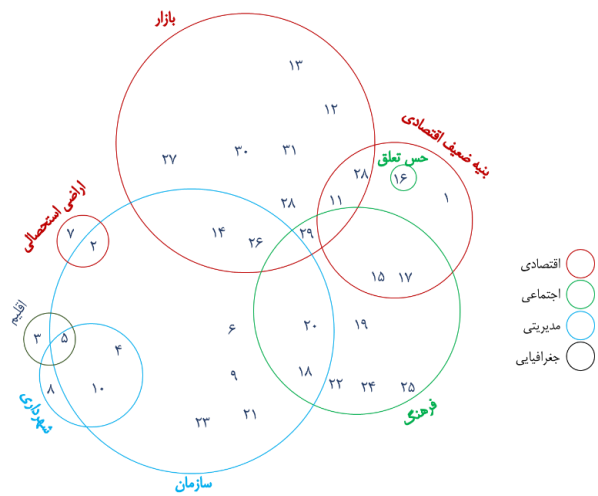
شکل ۴. تأثیر ایجاد منطقه آزاد بر اقتصاد محلی در گهان (مأخذ: مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۸)

ساکتین علت اصلی فرسودگی و زوال کالبدی بافت فرسوده در گهان شناسایی شده درحالی که این عامل، خود معلول اقدامات سازمان منطقه آزاد قشم و تحولات بازار قدرتمند در گهان است. چراکه با توجه به سیاست‌های نادرست پیشین، اکثر بومیان در رقابت با بازار، به حاشیه رانده شده‌اند و توانایی رقابت را ندارند.



شکل ۶. نسبت اثرگذاری نیروهای هدایت‌کننده تغییر بر بافت فرسوده در گهان

است بر گسترش افت و زوال شهری. فرایند کلی فوق، در تصویر ذیل قابل مشاهده است.



-۴-

بحث در یافته‌ها

۴-۱- شناسایی عوامل کلیدی و نیروهای هدایت‌کننده تغییر در بافت فرسوده در گهان

منظور از عوامل کلیدی، عوامل اصلی مؤثر مثبت و منفی در فرایند فرسودگی محدوده مطالعاتی و برآمده از شناخت و تحلیل ابعاد مختلف است. عملکرد عوامل منفی، بافت مرکزی را دچار فرسایش می‌نمایند و عوامل مثبت، ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی هستند که می‌توانند در جلوگیری از گسترش افت و زوال بافت مؤثر واقع گردند. پس از تعیین عوامل کلیدی، نیروهای هدایت‌کننده و مؤثر بر هر کدام از آنها، استخراج شده و با توجه به اینکه هر کدام از این نیروها بر چه تعداد از عوامل کلیدی مؤثرند، تأثیرگذارترین نیروهای هدایت‌کننده تغییر، مشخص می‌گردند. مطابق جدول شماره ۱، در بافت فرسوده در گهان، ۱۱ عامل محیطی، ۱۴ عامل اجتماعی و ۶ عامل اقتصادی و نیروهای هدایت‌کننده اصلی آن‌ها، شناسایی گردیده است. برای مثال ضعف توان اقتصادی

جدول ۱. عوامل کلیدی و نیروهای هدایت‌کننده بافت فرسوده در گهان (مأخذ: مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۸)

زمینه	عوامل کلیدی	نیروی هدایت‌کننده تغییر
کالبدی - محیطی	۱ فرسودگی و زوال کالبدی	اقتصاد (توان و بنیه ضعیف اقتصادی)
	۲ ناکارایی زیرساخت‌ها (تغییر و تعدیل مرکز شهر)	اراضی استحصالی (استحصال غیر اصولی) و سازمان
	۳ عرض کم معابر	اقلیم
	۴ کیفیت نامناسب معابر	سازمان و شهرداری
	۵ نبود فضاهای سبز همگانی (تغییر عملکرد اراضی استحصالی)	شهرداری، اقلیم، سازمان
	۶ عدم هماهنگی ساخت‌وسازهای قدیم و جدید (تعیین تراکم)	سازمان
	۷ مسدود نمودن جریان باد از ساحل به خشکی و انحراف آن به وسیله اراضی استحصالی	اراضی استحصالی (استحصال غیر اصولی)
	۸ وجود آلودگی‌های ناشی از مشکلات دفع فاضلاب و جمع‌آوری پسماند	شهرداری
	۹ کیفیت پایین خدمات	سازمان
	۱۰ فقدان روشنایی کافی در شب	شهرداری، سازمان
اجتماعی	۱۱ گسترش انبارها در میان کاربری مسکونی	بازار، بنیه ضعیف اقتصادی
	۱۲ حس تعلق بالای افراد ساکن	بازار
	۱۳ سرزندگی و حضورپذیری بالا در قسمت مرکزی درگهان (جذب گردشگر)	بازار
	۱۴ هجوم مهاجران غیربومی و ترک محدوده توسط برخی از ساکنان قدیم (جابه‌جایی جمعیت)	بازار، سازمان
	۱۵ پایین بودن میزان تحصیلات نسبت به متوسط کشور	فرهنگ و اقتصاد (بنیه ضعیف اقتصادی)
	۱۶ کهن‌سالی بافت	حس تعلق و اقتصاد (بنیه ضعیف اقتصادی)
	۱۷ الگوی سکونت چندخانواری در منازل	اقتصاد (بنیه ضعیف اقتصادی) و فرهنگ
	۱۸ نبود فضاهای گذران اوقات فراغت	فرهنگ، سازمان
	۱۹ عدم پذیرش برخی از مهاجرین توسط ساکنین (مانند افغان‌ها)	فرهنگ
	۲۰ فقدان نهادهای محلی قوام‌یافته مرتبط با موضوع نوسازی (موضوع مشارکت)	سازمان، فرهنگ
	۲۱ فقدان آگاهی مردم و عدم اطلاع‌رسانی مناسب سازمان‌ها از تسهیلات بافت فرسوده	سازمان
اقتصادی	۲۲ الگوی سکونت مستقل و عدم تمایل به زندگی آپارتمانی	فرهنگ
	۲۳ عدم اطمینان ساکنان به سازمان منطقه آزاد و دولت جهت انجام اقدامات حمایتی (تغییرات و تصمیمات سازمان منطقه آزاد قشم)	سازمان
	۲۴ عدم تمایل به دریافت وام و تسهیلات بانکی به دلیل سود بهره	فرهنگ
	۲۵ اهمیت بالای مالکیت خانه به دلیل دوام مدت سکونت و موروثی بودن ملک	فرهنگ
	۲۶ بنیه ضعیف اقتصادی ساکنان جهت تامین هزینه‌های ساخت و پرداخت هزینه‌های مربوطه (سرمایه‌گذاری داخلی / خارجی)	بازار و سازمان
	۲۷ گردش مالی بسیار بالا در درگهان (رقابت قشم و درگهان)	بازار
	۲۸ امرار معاش ساکنان از طریق اجاره دادن بخشی از خانه به عنوان انبار (تعیین تکلیف انبارها)	بازار و اقتصاد (بنیه ضعیف اقتصادی)
	۲۹ وجود تجارت غیر رسمی	بازار و فرهنگ
	۳۰ فقدان سازمان اقتصاد محلی پایدار (رکود / رونق اقتصادی)	بازار
	۳۱ قیمت بالای زمین (تورم)	بازار

۴-۲- برنامه‌ریزی سناریو در بازآفرینی بافت فرسوده در گهان

در فرایند سناریو پردازی این پژوهش، ابتدا ۲۳ مسئله مهم و کلیدی بافت فرسوده در گهان شناسایی و سپس با نظر کارشناسان بر اساس دو معیار اهمیت و عدم قطعیت رتبه‌بندی گردیده‌اند. نتایج این فرایند، شامل چهارده مسئله ارجح در گهان که دارای اهمیت و عدم قطعیت بیشتری هستند، به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- تغییرات و تصمیمات سازمان منطقه آزاد قشم
- ۲- رقابت قشم و در گهان
- ۳- رکود / رونق اقتصادی (اشتغال، فقر)
- ۴- جابه‌جایی جمعیت
- ۵- سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی)
- ۶- تورم
- ۷- تجارت غیررسمی
- ۸- جذب گردشگر

۹- مشارکت

- ۱۰- تغییر و تعدیل مرکز شهر
- ۱۱- تغییر عملکرد اراضی استحصالی
- ۱۲- تعیین تکلیف انبارها
- ۱۳- وضعیت شبکه معابر
- ۱۴- تعیین تراکم

بر پایه روش تحلیل متوازن تأثیرات متقابل برای ۱۴ مسئله در گهان، با صدها وضعیت مختلف روبه‌رو خواهیم بود که به دلیل تعدد بسیار، سناریوهای تولیدشده در عمل چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. از این‌رو در این مطالعه، به‌جای وارد کردن همه مسائل در فرایند سناریو پردازی، به‌صورت کیفی، حوزه‌های عدم قطعیت‌های کلیدی تعیین و دسته‌بندی شدند تا بتوان به تعداد مناسب‌تر و در نتیجه قابل تفسیرتر از سناریوها دست پیدا کرد. در [جدول شماره ۲](#)، مسائل سازنده عدم قطعیت‌های بحرانی به همراه دسته‌بندی آن‌ها در قالب چهار حوزه آورده شده است.

جدول ۲. عدم قطعیت‌های کلیدی در گهان

حوزه عدم قطعیت کلیدی	مسائل مرتبط	حالاتها	علامت
روابط داخلی	۱. تغییرات و تصمیمات سازمان منطقه آزاد قشم ۲. رقابت قشم و در گهان	۱. ارتقاء نقش و جایگاه جزیره با حضور در گهان	With
		۲. ارتقاء نقش و جایگاه جزیره بدون حضور در گهان	Without
		۳. تثبیت وضع موجود	Stability
بحران یا گشایش اقتصادی	۱. رکود / رونق اقتصادی (اشتغال، فقر) ۲. جابه‌جایی جمعیت (مهاجرپذیری / مهاجر فرستی) ۳. سرمایه‌گذاری (داخلی و خارجی) ۴. تورم ۵. تجارت غیررسمی ۶. جذب گردشگر	۱. رکود و بحران اقتصادی	Recession
		۲. رشد و گشایش اقتصادی	Growth
		۱. همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	Positive
اجماع یا تضاد داخلی	۱. مشارکت	۲. عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	Negative
		۱. اجرا و تحقق	Implementation
طرح جامع و تفصیلی	۱. تغییر و تعدیل مرکز شهر ۲. تغییر عملکرد اراضی استحصالی ۳. تعیین تکلیف انبارها ۴. وضعیت شبکه معابر ۵. تعیین تراکم	۲. عدم تحقق	Unimplementation

جدول ۳. تابلوی سناریوها در برنامه بازآفرینی بافت فرسوده درگهان

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3	Scenario No. 4	Scenario No. 5	Scenario No. 6
ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان	تثبیت وضع موجود		ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان	تثبیت وضع موجود	ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان
رشد و گشایش اقتصادی	رکود و بحران اقتصادی	رشد و گشایش اقتصادی			رکود و بحران اقتصادی
همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی		
اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی		اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی
Scenario No. 7	Scenario No. 8	Scenario No. 9	Scenario No. 10	Scenario No. 11	Scenario No. 12
ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان	تثبیت وضع موجود	ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان	ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان	تثبیت وضع موجود	ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان
رکود و بحران اقتصادی			رشد و گشایش اقتصادی	رکود و بحران اقتصادی	
عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی			همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی
اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی			اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی
Scenario No. 13	Scenario No. 14	Scenario No. 15	Scenario No. 16	Scenario No. 17	Scenario No. 18
ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان	ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان	ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان	تثبیت وضع موجود		
رکود و بحران اقتصادی		رشد و گشایش اقتصادی		رکود و بحران اقتصادی	رشد و گشایش اقتصادی
همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی			عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی
عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی		اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	
Scenario No. 19	Scenario No. 20	Scenario No. 21	Scenario No. 22	Scenario No. 23	Scenario No. 24
ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان		ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان		ارتقا نقش و جایگاه جزیره بدون حضور درگهان	ارتقا نقش و جایگاه جزیره با حضور درگهان
رشد و گشایش اقتصادی	رکود و بحران اقتصادی	رشد و گشایش اقتصادی	رکود و بحران اقتصادی	رشد و گشایش اقتصادی	
همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی				عدم همکاری سازمان منطقه آزاد قشم و دیگر نهادهای مدیریتی	
عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	عدم اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی	اجرا و تحقق طرح جامع و تفصیلی		

امتیاز هر خانه ماتریس، عدد (۳-) اثر محدودکننده زیاد، عدد (۲-) اثر محدودکننده متوسط، عدد (۱-) اثر محدودکننده اندک، عدد (۰) فقدان تأثیرگذاری یا اثر صفر، عدد (۱) اثر تقویت‌کننده ضعیف، عدد (۲) اثر تقویت‌کننده متوسط و عدد (۳) اثر تقویت‌کننده شدید، مفروض ارزیابی تأثیرات قرار می‌گیرند. سپس ماتریس کامل شده با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد، تحلیل و تابلوی سناریوها مطابق [جدول شماره ۳](#)، به دست آمد.

سناریوی شماره ۹، سناریوی فاجعه و بحرانی، تلقی می‌گردند. با توجه به تابلوی سناریو، مقایسه چهار سناریوی اول، حائز نکات بسیار مهمی است که بدان پرداخته می‌شود:

سناریوی اول؛ نقشه راه توسعه پایدار و متوازن:

با چهار روند مطلوب، ارجح‌ترین سناریوهاست و از سازگاری بالاتری برخوردار است. این موضوع نشانگر آن است که راه توسعه را بایستی با هم‌نشینی و هم‌افزایی تمام مؤلفه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت پیمود و مسیر میانبری وجود ندارد. به بیانی اگر چشم‌انداز برنامه‌ریزی و مدیریت، مبتنی بر به رسمیت شناختن و تقویت نقش درگهان و بافت مرکزی آن بوده و همکاری و اجماع نهادهای متولی مدیریت شهری بر محور توسعه پایدار و تحقق طرح‌های اندیشیده، با گشایش اقتصادی همراه گردد، جهشی قابل توجه در کیفیت محیطی و ارتقاء برند درگهان و جزیره قشم در دسترس خواهد بود. چنین سناریویی را می‌توان متضمن توسعه‌ای فراگیر، پایدار، عادلانه و متوازن در نظر گرفت.

سناریوی دوم؛ گرداب وضع موجود: برخلاف

سناریوی اول، بی‌توجهی به شرایط فعلی و تثبیت روند جاری و حفظ سیاست‌های موجود، می‌تواند سرانجامی کاملاً ناامیدکننده به ارمغان آورد. سناریوی شماره دوم، سناریویی بحرانی با ضریب سازگاری و احتمال بالاست که در آن تضاد داخلی میان کشگران مختلف، با رکود اقتصادی و عدم توجه به طرح‌های توسعه توأم گشته و ناپایداری‌های گسترده و آینده‌ای نامطلوب را رقم می‌زند. بنابراین حفظ وضع موجود،

برای سناریوسازی و تشخیص سناریوهای ناسازگار از سازگار، با استفاده از چهار عدم قطعیت کلیدی فوق، ماتریس روش محاسباتی تحلیل متوازن اثرهای متقابل (CIB) تشکیل شد. بر اساس اصول روش تحلیل ریخت‌شناسی، از ترکیب حالت‌های این چهار عدم قطعیت، تعداد $2 \times 2 \times 2 \times 2 = 16$ ، یعنی ۲۴ سناریو پدید می‌آید. پس از ایجاد ماتریس، پنبلی با حضور اعضای کارگروه‌های تخصصی تشکیل و درباره‌ی اثرات متقابل بین حالت‌ها، تبادل نظر و بر اساس برآیند بحث‌ها، خانه‌های ماتریس در قالب اعداد ۳- تا ۳+ تکمیل گردید. برای تعیین نکته قابل توجه آن که، نرم افزار سناریو ویزارد، هیچ تأکیدی بر چگونگی انتخاب سناریوها و حالت‌های گوناگون عدم قطعیت‌ها ندارد و تنها بر اساس روابط حاکم بر مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌ها اعم از مثبت (تقویت‌کننده) و یا منفی (محدودکننده)، که توسط متخصصین ارزش‌گذاری شده است (ماتریس CIB)، اقدام به استخراج سناریوها می‌نماید. بنابراین سناریوهای مستخرج، ممکن است کاملاً مطلوب یا کاملاً بحرانی باشند.

تابلوی سناریوی فوق، وضعیت‌های احتمالی را به ترتیب میزان سازگاری از سازگارترین (سناریوی شماره یک) تا ناسازگارترین سناریو (سناریوی شماره ۲۴) نشان می‌دهد. در این تابلو، رنگ سبز، وضعیت مطلوب، رنگ زرد روند کند یا نسبتاً نامطلوب و رنگ قرمز وضعیت نامناسب و بحرانی را منعکس می‌سازد. در میان سناریوهای محتمل فوق که نمودی از آینده‌های ممکن و بدیل هستند، سناریوهای ۱ و ۲ از سازگاری و امتیاز اثر کل بالاتری برخوردارند. به‌طورمعمول چنین سناریوهایی، به‌عنوان سناریوهای قوی‌تر و محتمل‌تر شناخته می‌شوند. به عبارتی سناریوی سازگار، سناریویی است که بر اساس شرایط موجود، احتمال وقوع آن بیشتر باشد. سایر سناریوها، سازگاری و احتمال تحقق کمتری دارند. سناریوی شماره سه اگرچه امتیاز اثر کل بالایی داشته اما از سازگاری کمتری برخوردار است. همچنین با توجه به تابلوی سناریوی فوق، سناریوی شماره یک، سناریوی مطلوب و پیش برنده و

در این رویکرد، ضمن ایجاد رشد اقتصادی، حذف نابرابری‌های منطقه‌ای، تقویت جایگاه در گهان در سطح کلان جزیره و منطقه و مشارکت سازمان‌های متولی مدیریت شهری، اساس توسعه بایستی بر پایداری و توازن مستقر گردد. همچنین ضروری است به‌طور توأمان جاه‌طلبی در توسعه، پایداری محیطی و بازآفرینی فرهنگی، مبنای عمل قرار گیرند. در رویکرد بهینه، تلاش بر آن است که تا حد ممکن از تأثیرات نامناسب «رشد» اقتصادی احتراز گردیده، اما از ارتقاء نقش و جایگاه ویژه در گهان در اقتصاد منطقه‌ای غفلت نشود. بدین جهت، رویکرد بهینه برای مداخله در بافت فرسوده در گهان، مبتنی بر سناریوی شماره یک و با استراتژی «بازآفرینی فرهنگی - اقتصادی» تعریف می‌گردد. در این رویکرد، با در نظر گرفتن ملاحظات محیط زیستی به بازتعریف نقش مرکز شهر در گهان در مقیاس منطقه‌ای، ارتقاء حوزه اقتصاد دریا پایه و توسعه زیرساخت‌های گردشگری پرداخته می‌شود. بازتعریف برند شهر در گهان و بازنامایی محدوده تاریخی آن به‌عنوان مرکز ثقل محصولات بومی جزیره، از دیگر بازراه‌های این رویکرد، خواهد بود.

بر این بستر، اهداف تدقیق شده که در سناریوی پیش برنده، مورد توجه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

- تجدید حیات اقتصادی از طریق توجه جدی به صنایع خلاق و جذب سرمایه، توسعه زیرساخت‌ها و گسترش پیوند میان فرصت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با ظرفیت‌های محلی و بومی؛
- بهبود شرایط محیطی و ارتقاء کیفیت فضایی از طریق حفاظت مطلق پهنه‌های اکولوژیک حساس، مدیریت پسماند و هدایت مناسب فاضلاب در اراضی استحصالی؛
- برنامه‌ریزی فعالیتی مبتنی بر اکو توریسم، گردشگری فرهنگی و خلاق؛
- ارتقاء سرمایه اجتماعی و مشارکت جامعه محلی، حفظ فرهنگ و تقویت آیین و رسوم فرهنگی و افزایش تعاملات مدنی بین شهروندان و گردشگران؛

در درازمدت خطایی است راهبردی و به گسترش دامنه فرسودگی و عمیق‌تر شدن چرخه افت و زوال شهری منتهی می‌گردد.

سناریوی سوم؛ نابرابری و فقر در هر جا،

تهدیدی برای همه‌جاست: به‌رغم ایجاد سه روند مطلوب، این عدم قطعیت کلیدی تثبیت شرایط موجود و بی-توجهی به ارتقاء نقش و جایگاه در گهان است که قاعده بازی را برهم می‌زند. در این سناریو، به‌رغم وجود منابع مالی لازم و کاهش تضادهای مدیریتی، به دلیل فقدان اراده لازم برای تغییر وضع موجود و حذف نابرابری‌های منطقه‌ای، احتمال توفیق و تعالی چندانی وجود نداشته و سناریوی حاصل، از سازگاری لازم برخوردار نیست.

سناریوی چهارم؛ ثروت خوشبختی نمی‌آورد:

توجه به این سناریو نیز حکایت از نکته‌ای مهم دارد. در بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری، لزوم وجود منابع مالی و شرایط مطلوب اقتصادی، بسیار مهم و ضروری (شرط لازم) تلقی می‌گردد. اگرچه نمی‌توان از این موضوع به‌سادگی گذر نمود، باین‌وجود، این گزاره، قاعده عام و شرط کافی، حداقل در شرایط در گهان نیست. در سناریوی چهارم که می‌توان آن را تلمیحی از مضمون «ثروت خوشبختی نمی‌آورد» دانست، به‌رغم وجود منابع مالی لازم و گشایش اقتصادی، به دلیل تضادهای داخلی و عدم توجه به اصول توسعه پایدار، متوازن و عادلانه، نتیجه به‌هیچ‌عنوان قابل دفاع نیست.

به هر رو با توجه به توضیحات فوق و در نظر گرفتن ضرایب سازگاری و امتیاز اثر سناریوها، سناریوی اول به‌عنوان سناریوی مرجح و منتخب برگزیده شد و بر مبنای آن چارچوب برنامه‌ریزی و طراحی تبیین می‌گردد.

۴-۳- رویکرد بهینه بازآفرینی بافت فرسوده در گهان

با توجه به ملاحظات مطروحه فوق، بایستی در رویکرد بهینه، ضمن برخورد با ابعاد مختلف ناپایداری، چرخه افت و زوال را در بافت فرسوده در گهان معکوس و فرصت‌هایی برای بازآفرینی و توسعه یک چشم‌انداز مشترک ایجاد نمود.

در این پژوهش، که تجربه‌ای موردکاوانه از کاربرد دانش آینده‌پژوهی و به‌طور اخص برنامه‌ریزی سناریویی در بازآفرینی بافت فرسوده شهر در گهان است، ضمن تحلیل مهم‌ترین عوامل کلیدی و نیروهای اصلی پیشران تغییرات، تابلوی سناریوها، تولید و حالت‌های مختلف آن بررسی و وفق سناریوی مطلوب، رویکرد بهینه تبیین گردید.

نکته بسیار حائز اهمیت آن‌که، شهری به رونق و تحرک در گهان، به‌سان موجودی زنده به هر پدیدار و تغییری، واکنشی نسبتاً سریع داشته که الزاماً نشانگر نیل به وضع مطلوب یا رضایت ساکنین از شرایط پیش رو نیست. به‌عنوان نمونه، بررسی عمیق‌تر بسترهای زمانی - مکانی حاکی از آن بود که گسترش اجاره کاربری ناسازگار انبار در بافت فرسوده این شهر، واکنشی است از سوی مردمی محروم از حمایت‌های اجتماعی و یا خرده‌فروشان سنتی، در شرایط عدم قطعیت و بی‌ثباتی نهادی - اقتصادی.

پیش‌تر، دست‌اندازی به پهنه دریا و استحصال آن و به‌تبع، ایجاد مشکلات عدیده محیط زیستی و تغییر موازنه اقتصادی به سود کارکردهای تجاری بزرگ‌مقیاس (که هر دو موضوع ناشی از شناخت نادرست شهر در طرح‌های پیشین بوده) سبب گردیده که ذهنیت منفی ساکنین نسبت به سازمان منطقه آزاد و مدیریت شهری و اقدامات آن‌ها در در گهان افزایش یابد.

پیچیدگی آنجاست که مبتنی بر اجرای طرح توسعه‌ای با هزینه‌های بسیار سنگین، برای افزایش رونق اقتصادی، بخشی از دریا، بازیافت، و گستره ساحلی نوپدید، به کارکردهای بزرگ‌مقیاس تجاری اختصاص یافته است. گذشته از مصائب جدی محیط زیستی حاصل از این تصمیم، لطمه جدی به کسب و کارهای خرد هم‌جوار وارد گردیده، و آن‌ها را تبدیل به کنشگران درجه چندم نموده که برای امرار و گذران معاش، بخشی از مسکن خود را به‌عنوان انبار عملکردهای تجاری بزرگ‌مقیاس، برای اجاره واگذار می‌نمایند. این امر، موجب تنزل کیفیت محیطی و پرواز سرمایه از بافت مسکونی محدوده و افزایش میزان فرسودگی آن

■ بهبود شرایط کالبدی به‌واسطه تلاش برای پایداری، ارتقاء تاب‌آوری، و هویت‌مندی بافت با بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های طبیعی و معماری محدوده؛

■ پالایش عملکردی، کاهش تمرکز فعالیت‌های تجاری بزرگ‌مقیاس، انتقال کاربری‌های ناسازگار و بازآفرینی بناها و فضاها و واجد ارزش تاریخی؛

■ تقویت مدیریت یکپارچه با محوریت سازمان منطقه آزاد قشم و مشارکت واقعی سایر کنشگران؛

از این رو، در چشم‌انداز و افق برنامه، مرکز شهر در گهان و بازارهای سنتی و مدرن آن، با توسعه کارکردهای خدماتی و فراغتی در اراضی استحصالی و بهره‌گیری از چشم‌انداز منحصر به فرد دریا، یکی از سرزنده‌ترین و جذاب‌ترین مکان‌های جزیره قشم و کشور خواهد بود که به‌عنوان قلب تپنده اقتصادی، با کالبدی پایدار و هویت‌مند، در مقیاس‌های گوناگون فرا شهری، شهری و محلی، خدمات‌رسانی می‌نماید. نیز این پهنه با داشتن مردمی مهمان‌پذیر و با پیشینه غنی فرهنگی، بستری مناسب برای پذیرش گردشگر از فرهنگ‌های گوناگون را فراهم می‌آورد. پیاده‌مداری، تحدید رشد بی‌رویه بازار، پالایش و رفع تراحم عملکردی پهنه‌های مسکونی، بازآفرینی ابنیه واجد ارزش تاریخی و ایجاد بوم‌گردی‌های سنتی متکی بر تجارب بسیار موفق پیشین در جزیره قشم، برگزاری رویدادهای آیینی و فرهنگی و تقویت نقش گردشگری مساجد باشکوه و زیبا، نقشی مهم در بازآفرینی پایدار بافت مرکزی در گهان ایفاء می‌نمایند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آن‌گونه که آمد، شناخت ماهیت شهرها، بسیار پیچیده‌تر از آن است که گمان می‌رود. فقدان شناخت صحیح (به دلیل محیط به‌شدت پیچیده برنامه‌ریزی) از یک سو و ضعف جدی دانش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در حوزه متدولوژی‌های آینده محور از سوی دیگر، سبب شده که در بسیاری از طرح‌های توسعه شهری، چیزی جز شکست و عدم توفیق و تحقق نگران‌کننده، حاصل نگردد.

مشارکت اجتماعی، بایستی مورد توجه و اهتمام جدی قرار گیرد.

منابع

۱- اجلالی، پرویز؛ رفیعیان، مجتبی؛ و عسگری، علی (۱۳۹۰). نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه سنتی و جدید. نشر آگه.

۲- احمدی، امید؛ قائدی، زینت؛ و خوشحال، ابوالفضل (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی: مفاهیم، روش‌ها، کاربردها. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران.

۳- اسدی، ایرج. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی ساختاری جایگزین برنامه‌ریزی جامع. ماهنامه شهرداری‌ها. شماره ۲۸.

۴- اسلاتر، ریچارد؛ آلبری، نیکلاس؛ بل، وندل؛ دال، جل؛ دیتر، جیمز؛ هندرسون، هزل؛ هینچکلیف، جان. س. هاتچسون؛ فرانسیس پ.، میلبراث؛ لستر. و. اوگلیوی؛ جیمز. پیچ؛ جیمز. تاف، آلن. (۱۳۹۰). نوآیندیشی برای هزاره‌ی نوین؛ مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی. ترجمه عقیل ملکی - فر. وحید وحیدی مطلق. سید احمد ابراهیمی. انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

۵- ایزدفر، الهام؛ ساسان‌پور، فرزانه، تولایی، سیمین؛ و سلیمانی، محمد. (۱۳۹۹). بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان). مجله جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای. دوره ۱۰. شماره ۳۴. صص ۶۸-۴۵.

<https://doi.org/10.22111/gaij.2020.5330>

۶- تایلور، نایجل. (۱۳۹۴). نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری (از آغاز تاکنون). ترجمه محمود شورچه. انتشارات پرهام نقش. تهران

۷- توبچی ثانی، علی؛ و محمدی، محمود. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری پایدار (شیوه‌های نوین مداخله در بافت‌های فرسوده). دومین همایش ملی بهسازی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی. فرسوده شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی. شیراز

۸- توبچی ثانی، علی؛ محمدی، محمود؛ و خزایی، سعید. (۱۳۹۸). به سوی برنامه‌ریزی در عصر جدید؛ مطالعه تطبیقی

گردیده است. حال در طرح توسعه‌ای دیگر، به جای نشانه رفتن علت‌ها، در جستجوی معلول‌ها بوده و «دستور» جابه‌جایی انبارها و ممنوعیت حضور آن‌ها در بافت فرسوده مرکز شهر در گهان صادر می‌شود.

تغییر مکان انبارها یا ممنوعیت بهره‌برداری از آن‌ها (ذیل تعریف کاربری‌های مجاز، مشروط و ممنوع در طرح‌های رایج و همسان توسعه شهری)، چنان تجویزی عام، و بی‌توجه به الزامات و سیاست‌های بازآفرینی اقتصادی، ممکن است در دوره‌ای کوتاه، «ظاهراً» به بهبود سطحی شرایط محیطی منجر گردد، اما با احتمال زیاد، در درازمدت به افت بیشتر اقتصادی و ناگزیر، زوال بیشتر اجتماعی و کالبدی منجر گشته و ذهنیت ساکنین نسبت به دولت محلی (سازمان منطقه آزاد) را منفی‌تر و میزان مشارکت اجتماعی را کم‌تر می‌نماید.

بر این مبنا، در رویکرد بهینه (بازآفرینی فرهنگی - اقتصادی) پیشنهادی این پژوهش، هدف آن است که با پرهیز از سطحی‌نگری و بی‌توجهی به لایه‌های پنهان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ضمن برخورد با ابعاد مختلف ناپایداری، چرخه افت و زوال را در بافت فرسوده در گهان معکوس نموده و فرصتی جدید برای بازآفرینی و توسعه یک چشم‌انداز مشترک ایجاد گردد. بازتعریف برند و نقش مرکز شهر در گهان در مقیاس منطقه‌ای، توسعه زیرساخت‌های گردشگری همراه با رعایت ملاحظات محیط زیستی، و بازآفرینی محدوده تاریخی شهر به‌عنوان مرکز ثقل محصولات بومی جزیره، از دیگر بارزهای این رویکرد، خواهد بود.

به بیانی، بایستی ضمن پالایش و کاهش تراکم عملکردی به‌ویژه در حوزه تجارت، بازرگانی و خدمات پشتیبان (انبارها و ...)، به ایجاد کاربری‌های جایگزین و منعطف عمومی و گردشگری در اراضی استحصالی و اتخاذ سیاست‌های به سامانی کالبدی و گسترش تنوع فرصت‌های اقتصادی خلاق بر بنیان فرهنگ و سنن مردم و مشارکت واقعی آنان، به‌عنوان تکانه‌های مثبت بازآفرینی فرهنگی - اقتصادی پرداخت. در این میان تقویت نقش نهادهای محلی به‌عنوان واسطه‌ای بین مردم و دولت و تسهیلگر افزایش

۱۸- عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*. انتشارات دانشگاه بهشتی. چاپ دوم. تهران.

۱۹- کورنیش، ادوارد. (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی پیشرفته، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی*. ترجمه سیاوش ملکی‌فر، فرخنده ملکی‌فر. انتشارات اندیشکده صنعت و فناوری (آصف)، گروه آینده‌پژوهی و دیده‌بانی. تهران.

۲۰- گیدلی، جنیفر. ام. (۱۳۹۶). *آینده: یک معرفی بسیار کوتاه*. ترجمه ابوذر سیفی گلستان. انتشارات فرهیختگان دانشگاه. تهران.

۲۱- لمپرت، رابرت‌جی؛ پوپر، استیون‌دبلیو؛ و بنکر، استیون‌سی. (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی پابرجا برای صد سال آینده*. ترجمه وحید وحیدی مطلق. انتشارات اندیشکده صنعت و فن‌آوری (آصف). تهران

۲۲- ملکی‌فر، عقیل؛ فخرازی، مرضیه؛ و شاوردی، مرضیه. (۱۳۹۵). *راهنمای کاربردی آینده‌نگاری منطقه‌ای*. انتشارات آینده‌پژوه.

۲۳- منزوی، مسعود؛ فتح‌آ... زاده، علی؛ و عمارلو، علیرضا. (۱۳۸۸). *سناریونویسی و رویکردهای متفاوت آن*. انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

۲۴- مهندسان مشاور شهر و خانه. (۱۳۹۸). *طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده هلمر - درگهان، جزیره قشم*.

۲۵- هاگو، کلیف. (۱۳۷۸). *برنامه‌ریزی شهری در هزاره سوم*. ترجمه کمال اطهاری. مجله آبادی. شماره ۳۲.

26- Amer, M., Daim, T. U., & Jetter, A. (2013). A review of scenario planning. *Futures*, 46, 23-40.

<https://doi.org/10.1016/j.futures.2012.10.003>

27- Bryant, B. P., & Lempert, R. J. (2010). Thinking inside the box: A participatory, computer-assisted approach to scenario discovery. *Technological Forecasting and Social Change*, 77(1), 34

برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با آینده‌پژوهی. *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*. سال نهم. شماره ۳. تابستان. صص ۶۸۳-۶۶۵

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.3.19.7>

۹- خزایی، سعید. (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی نیاز امروز، ضرورت فردا*. کارگاه آموزشی.

۱۰- خزایی، سعید؛ و محمود زاده، امیر. (۱۳۹۱). *آینده پژوهی*. انتشارات علم آفرین. اصفهان.

۱۱- جکسون، اندرو. (۱۳۸۷). *راهنمای گام‌به‌گام آینده‌پژوهی راهبردی؛ مروری بر رویکردها و روش‌ها*. ترجمه سعید خزایی، عبدالرحیم پدرام. انتشارات مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

۱۲- رفیعان، سید مجتبی؛ و جهانزاد، نریمان. (۱۳۹۴). *دگرگونی اندیشه در نظریه برنامه‌ریزی*. گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس. انتشارات آرمانشهر. چاپ اول.

۱۳- سازمان آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

۱۴- سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO) (۱۳۹۲). *روش‌شناسی آینده‌نگاری*. ترجمه سعید خزایی و امیر محمود زاده. انتشارات علم آفرین. اصفهان.

۱۵- سعیدپور، سعید؛ و بهودی، محمدرضا. (۱۳۹۶). *راهنمای کاربردی نرم‌افزار سناریو ویزارد (تدوین راهبردهای سازمانی با رویکرد سناریو نگاری)*. انتشارات دانشگاه هرمزگان. تهران.

۱۶- شوارتز، پیتر. (۱۳۸۸). *هنر دورنگری، برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت*. ترجمه عزیز علیزاده. انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

۱۷- طاهری، محسن. (۱۳۹۳). *تحلیل ساختاری با استفاده از روش میک مک (Mic Mac)*. دسترسی در

www.iranianfuturist.com

- 37- Wilson, I. (1998). Mental maps of the future: an intuitive logics approach to scenarios. *Learning from the future: Competitive foresight scenarios*, 81-108.
- 28- Dator, J. (2002). What Futures Studies Is and Not, Hawaii Research Center for Futures Studies Department of Political Science, University of Hawaii.
- 29- Inayatullah, S. (2008). Six pillars: futures thinking for transforming. *foresight*. <https://doi.org/10.1108/14636680810855991>
- 30- Miguel, J. and Güell, F. (2010). *Can Foresight Studies Strengthen Strategic Planning Processes at the Urban and Regional Level?* Planificación estratégica de ciudades, nuevos instrumentos y procesos, Barcelona: Editorial Reverté.
- 31- Milestad, R., Svenfelt, Å., & Dreborg, K. H. (2014). Developing integrated explorative and normative scenarios: the case of future land use in a climate-neutral Sweden. *Futures*, 60, 59-71. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2014.04.015>
- 32- Myer, D. (2000). *Construction the future in planning. school of policy, planning and development*, university of southern California.
- 33- Phdungsilp, A. (2011). Futures studies' backcasting method used for strategic sustainable city planning. *Futures*, 43(7), 707-714. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2011.05.012>
- 34- Puglisi, M. (2001). The study of the futures: an overview of futures studies methodologies. *Interdependency between agriculture and urbanization: conflicts on sustainable use of soil water. Bari: CIHEAM. Options Méditerranéennes, Série A. Séminaires Méditerranéens*, (44), 439-463.
- 35- Voros, J. (2003). A generic foresight process framework. *foresight*, 5(3), 10-21. <https://doi.org/10.1108/14636680310698379>
- 36- Wangel, J. (2012). *Making futures: on targets, measures and governance in backcasting and planning* (Doctoral dissertation, KTH Royal Institute of Technology).

Received: 31/03/2022
Accepted: 04/06/2022

Scenari- Based Planning and Its Application in Sustainable Urban Regeneration (Case Study: Deteriorated Urban Context of Dargahan, Qeshm Island)

Ali Toobchi Sani¹, Mohammad Masoud², Asadollah Rabbani³, Golnaz Sarami Foroshani⁴

Abstract

Today's world is complicated and unreliable, and tomorrow's world is expected to be much more complex and unreliable. In such a situation, understanding the nature of cities is more complicated than is thought. The scope and depth of this challenge increase every day due to a wonderful mixture of ambiguity, complexity, uncertainty, and tsunamis of change surrounding the city and the current world. Generally, these changes have emerged in a short period of time and create a deep gap between the time required and the available time to adapt to these changes. In this research, with the help of scenario planning, an attempt has been made to face complex and changing conditions in the regeneration of the deteriorated context of Dargahan city which is in a way the regional trade center of the south of the country. By verifying the key factors and driving forces of the changes, with the transition from the prediction of the definite future to the drawing of alternative futures, the preferred scenario was determined. Based on that, the framework of regeneration and planning in the run-down context of Dargahan is explained. According to the optimal scenario resulting from the process, an optimal cultural-economic regeneration approach has been proposed for this context. Avoiding superficiality and ignoring the hidden socio-economic layers, while dealing with different dimensions of instability, reverses the cycle of decline and providing a new opportunity to develop and realize a common vision. Therefore, this research is practical in terms of essence, and in terms of method, it is a case study based on scenario-oriented planning and Cross-Impact Balance analysis (CIB) and using Scenario Wizard software. Documentary studies, field observations, exploratory interviews, and expert panels have also been used to collect data.

Keywords: Sustainable Urban Regeneration, Futures Studies, Scenario Planning, Cross-Impact Balance Analysis, Dargahan

¹ PhD., Department of Urban Development, Faculty of Architecture & Urban Development, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran; Corresponding Author. [Email: ali.toobchi@gmail.com](mailto:ali.toobchi@gmail.com)

² Professor, Department of Urban Development, Faculty of Architecture & Urban Development, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

³ Master of Urban Planning, Department of Urban Development, Faculty of Architecture & Urban Development, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

⁴ Master of Urban Design, Department of Urban Development, Faculty of Architecture & Urban Development, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.